

«کتب دستور»

ترجمه: محمدرضا عادل

فهرست مطالب

صفحه ۱	۱- تعریف جمله
صفحه ۴	۲- ارکان جمله
صفحه ۶	۳- ارکان جمله از جهت پیام و... (وجه)
صفحه ۶	۴- انواع جمله از حیث ساده و مرکب و...
صفحه ۹	۵- انواع جمله از حیث فعل...
صفحه ۹	۶- شبه جمله و صوت
صفحه ۱۰	۷- تعریف فعل
صفحه ۱۰	۸- اجزای فعل
صفحه ۱۱	۹- زمان فعل
صفحه ۱۲	۱۰- وجه فعل
صفحه ۱۳	۱۱- ساختمان فعل (ساده و...)
صفحه ۱۳	۱۲- جهت فعل

«در هر جمله «فعل» رکن اساسی محسوب می‌شود... در هر نوشتار و گفتار به تعداد فعلها جمله خواهیم داشت.»
عیوب این تعریف چنین است:
الف: اگر منظور از «یک کلمه» که می‌تواند جمله واقع شود، فعل باشد، بدلیل اینکه فعل، خود از دو کلمه (بن و شناسه) تشکیل یافته، پس صحیح نیست.

ب: و اگر منظور کلمه‌ای دیگر، بجز فعل، باشد آنگاه:
ب ۱: چون مؤلفین محترم، به صراحت در سطور قبل از کادر، آورده‌اند که «در هر نوشتار و گفتار به تعداد فعلها جمله خواهیم داشت» پس وقتی فعل وجود نداشته باشد، جمله هم وجود نخواهد داشت.
ب ۲: از سوی دیگر، وقتی فعل را از «ارکان جمله» بحساب آوریم، غیر قابل حذف خواهد بود.^۱ به این ترتیب، چنین تعریفی (که در سالهای دوم، سوم و چهارم غیر فرهنگ نیز تکرار گردیده) دقیق نیست.
در سال سوم فرهنگ (ص ۱) تعریف جمله چنین آمده است: «جمله مجموعه‌ای بهم پیوسته و نظام یافته از کلمه‌هاست که اندیشه یا عاطفه یا خواستی را بیان می‌کند. هسته هر جمله رادو بخش تشکیل می‌دهد: بخشی که مورد نسبت و اسناد قرار می‌گیرد. این بخش از اسم یا کلمه‌های جانشین آن تشکیل می‌شود و بخشی که نسبت داده می‌شود، محور این بخش را فعل پدید می‌آورد.» همانگونه که ملاحظه گردید:

الف: تعریفی طولانی، به‌مراه توضیح مطرح گردیده است.
ب: در آن تفکیک ساختاری نیز صورت گرفته، و جمله به دو

بخش اول، جمله

۱- تعریف جمله

اولین درس، در تمام کتب دستور، با تعریف و توضیح جمله آغاز می‌شود؛ ولی این تعاریف یا گنگ و مبهم هستند، یا ناقص و یا در تضاد با تعریف کتب دیگر:

«جمله معمولاً باید فعل داشته باشد. گاهی فعل در جمله حذف می‌شود. ممکن است جمله تنها از یک کلمه درست شده باشد. در اینصورت آن کلمه اغلب فعل خواهد بود.»

(اول راهنمایی، ص ۱۳۶. دوم راهنمایی، ص ۱۳۷. سوم راهنمایی، ص ۱۹۹)

با توجه به اینکه «تعریف باید جامع و مانع باشد» و این تعریف انباشته شده است از «معمولاً»، «گاهی»، «ممکن است»، ... پس نمی‌تواند تعریفی دقیق باشد.

تعریف جمله در اول دبیرستان (ص ۵) چنین بیان می‌شود: «جمله یک یا چند کلمه است که بر روی هم مقصودی را بیان کند.» این تعریف اصلی مؤلفین است که آنرا در کادری مشخص کرده‌اند؛ ولی در همان صفحه، در چند سطر بالاتر، چنین آمده است:

۱- مگر «یک کلمه» نمی‌تواند مرکب باشد؟ «رشد ادب»

۲- به قرینه می‌تواند حذف شود. «رشد ادب»

معایب این تعریف چنین است:

الف: در هر دو نوع جمله، نهاد اختیاری، جزء ارکان بحساب آمده و حذفش را غیرممکن دانسته‌اند، و حتی برای تأیید نظر خود، مثالی نیز آورده‌اند:

« روز شنبه ساعت هشت صبح با اتوبوس از همدان به تهران آمدم.» (دوم فرهنگ، ص ۴)

ب: در این درس، فعل جزء ارکان جمله است و حذفش، غیرقانونی؛ ولی یک صفحه جلوتر، چنین می‌خوانیم: «جمله بسی فعل، جمله‌ای که هرگز با فعل بکار نمی‌رود.»

ج: مؤلفین محترم این دو کتاب، «جمله‌های فعلی» را به دو رکن تقسیم نموده‌اند، ولی در کتاب چهارم فرهنگ، در مبحث «کوتاهترین جمله‌ها» آمده است:

«جمله‌های سه جزئی:...

ب: جمله‌های فعلی متعدی: احمد را + دید + م...

جمله‌های چهار جزئی:

الف: جمله‌هایی با مفعول و یک کلمه دیگر: او را + عاقل + پنداشت + م

ب: جمله‌هایی با فعل دو مفعولی: او را + احمد + نامید + نند.» (ص ۳)

همانگونه که ملاحظه فرمودید:

الف: «جمله فعلی» در این کتاب فقط دو رکنی نیست، بلکه سه رکنی و چهار رکنی نیز می‌باشد.

ب: نهاد اختیاری در شمارش نیامده، بلکه در شمارش نهاد اجباری (شناسه) را منظور داشته‌اند (که صحیح است).
ج: مفعول جزء ارکان منظور گردیده است (که صحیح می‌باشد).

۳ - انواع جمله از جهت پیام و شیوه پیام (وجه)

جمله از جهت وجه، در تمام کتب درسی، به چهار نوع تقسیم شده است: ۱ - خبری ۲ - پرسشی ۳ - امری ۴ - عاطفی. ولی در چهارم فرهنگ این تعداد به سه نوع تقلیل یافته است: ۱ - خبری ۲ - التزامی ۳ - امری.

بخش تقسیم گردیده است (ولی این دو بخش، فاقد نام می‌باشند).
ج: اشاره‌ای به این مطلب که جمله می‌تواند یک کلمه نیز باشد، وجود ندارد و تکیه بر روی «کلمه‌ها» است. ولی همین مؤلفین در تعریف مندرج در دوم فرهنگ (ص ۱) می‌گویند:
«جمله مجموعه‌ای از کلمه‌ها (و گاهی یک کلمه) است...»

۲ - ارکان جمله

مبحث «ارکان جمله» فقط در چهارم غیر فرهنگ و دوم و سوم فرهنگ مطرح شده است.

در کتاب چهارم غیر فرهنگ، می‌خوانیم:

«توالی ارکان و اجزای جمله در زبان فارسی به این ترتیب است:

۱ - فاعل و وابسته‌های آن ۲ - مفعول و وابسته‌های آن ۳ -

مستم و وابسته‌های آن ۴ - فعل و وابسته‌های آن... در جمله‌های

اسنادی، مسند پیش از رابطه می‌آید.» (ص ۸)

معایب چنین تعریفی چنین است:

الف: دانش آموزی که این درس را می‌خواند، هیچ زمینه قبلی برایش آماده نبوده و او باید «ترتیب ارکان و اجزاء» را بیاموزد، بی‌آنکه بداند «رکن» و «جزء» چیستند و چه تفاوتی با یکدیگر دارند.

ب: مؤلفین «مسندالیه» را همان «فاعل» بحساب آورده‌اند. آنان از مسند سخن گفته‌اند ولی از مسندالیه، خیر.

در دوم و سوم فرهنگ، این مبحث چنین آمده:

«جمله‌های فعلی، دو رکن دارند ۱ - نهاد ۲ - فعل. مسعود آمد.

جمله‌های اسنادی سه رکن دارند ۱ - نهاد ۲ - مسند ۳ - فعل

ربطی. مسعود باهوش است.» (دوم فرهنگ ص ۴. سوم فرهنگ ص ۲)

۴ - انواع جمله از حیث ساده و مرکب و ...

می‌دانیم که مفهوم جمله، یا در همان جمله به شنونده یا خواننده، بطور کامل منتقل می‌شود (جمله مستقل) و یا این انتقال کامل نیست و شنونده برای فهم کامل باید منتظر جمله یا جملات دیگر بماند (جمله ناقص) و چون انسانها برای ارتباط با یکدیگر:

۱ - نیازمند به انتقال کامل مفاهیم و مطالب به دیگرانند؛ اگر جمله ناقصی ادا شود، بعلت اینکه شنونده منتظر تکمیل مطلب است، لذا با جمله مستقل دیگری آنرا کامل می‌نماید. این چند جمله، چون بهم وابستگی دارند و برای تکمیل یکدیگر بکار رفته‌اند، (و بخصوص) یکی از آنها بدون دیگری - بهیچوجه - رساننده پیام نیست «جمله‌های گروهی وابسته» نام می‌گیرند.

۲ - از سوی دیگر ممکن است فردی، جمله مستقلی را بیان کند ولی هنوز مطالب دیگری نیز برای گفتن داشته باشد و هر مطلب را با جمله مستقلی بیان نماید که هر کدام برای خود رساننده پیام باشند ولی پیوندی از لحاظ معنی با یکدیگر داشته باشند. به اینگونه جمله‌ها «جمله‌های گروهی همپایه» می‌گوییم.

و در نهایت، جمله از لحاظ ترکیب و تعداد فعل به دو دسته تقسیم می‌شود: ساده (مستقل - ناقص) و گروهی. جمله‌های گروهی خود به دو دسته منقسم می‌شوند: وابسته و همپایه. و نیز می‌دانیم که اصطلاحات مستقل و ناقص، در «جمله‌های گروهی وابسته» به «پایه» و «پیرو» بدل میگردند. ولی در کتب درسی مزبور، این مطالب بگونه‌ای دیگر مطرح

شده‌اند:

۱ - در تمام کتب - به استثنای چهارم فرهنگ، که بجای خود بررسی می‌شود - جمله به «ساده و مرکب» تقسیم شده است و منظورشان از مرکب همان «جمله‌های گروهی وابسته» می‌باشند. این کتب هیچ اشاره‌ای به «جمله‌های گروهی همپایه» ندارند.

۲ - این کتب، اصطلاح «جمله مرکب» را بکار می‌برند. در حالیکه باید گفت: اگر پایه، «جمله» است و پیرو نیز «جمله»؛ چگونه مجموعه پایه و پیرو نیز «جمله» می‌شود؟ و آیا اطلاق نام اجزاء به کل صحیح است؟ آیا H_2 و O ، هنگامیکه ترکیب گردند، نسام جدیدی نمی‌گیرند؟

۳ - در این کتابها، یگانگی «پایه با مستقل» و «پیرو با ناقص» از میان رفته است. و مؤلفین دوم و سوم فرهنگ، آنها را تحت مداخله جداگانه، شماره‌گذاری نموده و توضیح داده‌اند.

*

در کتاب چهارم فرهنگ، نقض «جمله‌های گروهی» تا حدی مرتفع گردیده است و این نقیصه، می‌توانست بطور کامل مرتفع گردد.

«کتب دستور»

اگر:

۱ - فصلی مستقل در این باره پدید می‌آید؛ زیرا این مباحث بواسطه توضیح دروس «حروف ربط» و «وابسته‌ساز» بمیان کشیده شده است.

۲ - اصلاحات انجام شده بر روی این بخش از درس، انجام نمی‌گرفت.

توضیح اینکه، در کتب چاپ شده تا سال ۵۹، نام این مبحث «جمله‌های وابسته» بوده است، و اصلاح‌کنندگان کتاب، آنرا به «جمله‌های مرکب» تغییر دادند. ولی این اصلاح فقط در مدخل درس صورت گرفته است؛ زیرا در باورقی همان صفحه می‌خوانیم:

«برای کسب اطلاع بیشتر به مبحث جمله‌های وابسته رجوع شود.» (ص ۷۶)

۵ - «انواع جمله از حیث فعل ...»

از دیگر نکات قابل توجه در این کتب، نامگذاری جمله از روی فعل است، در این کتابها، جملاتی که فعلشان غیر ربطی است، «جمله فعلیه» نامیده شده‌اند، و جملاتی را که فعلشان ربطی باشند: اول دبیرستان «جمله اسمیه» و دوم و سوم فرهنگ «جمله اسنادی» و چهارم فرهنگ «جمله ربطی» نامگذاری کرده‌اند.

معایب چنین نامهایی، بترتیب ذکر می‌شود:

۱ - جمله فعلیه صحیح نیست، بدلیل اینکه، جمله گروه دیگر نیز دارای فعل (اگر چه ربطی) می‌باشد. چنین نامی لازمه‌اش اینست که جمله گروه دیگر، بدون فعل باشد.

۲ - اختلاف نام برای جملاتی که فعلشان ربطی است، وجود دارد.

۶ - شبه جمله و صوت

از شبه جمله و صوت، در دوم راهنمایی (ص ۲۱۴) و سوم غیر فرهنگ (ص ۵۳) و سوم فرهنگ (ص ۷۶) صحبت شده است و هر دو

(ص ۱۵۵)

و یا «اگر می را از مضارع اخباری برداریم و بجای آن ب بگذاریم، مضارع التزامی درست می شود.» (ص ۱۵۹)

ولی در بخش «خلاصه دروس سالهای قبل»، در پایان کتاب سوم راهنمایی، نام آن اجزاء را «بن و شناسه» گذارده اند. یعنی بدون اینکه در کتب سالهای قبل برای آنها نامی تعیین شده باشد.

در اول دبیرستان (و تمام سالهای غیر فرهنگ) نام این اجزاء چنین آمده است:

«این فعل (مضارع اخباری) به کمک (ماده) یا (بن) مضارع و ضمایر متصل فاعلی ساخته میشود.» (ص ۸۵)

۳ - زمان فعل

از جالبترین و دیدنی ترین دروس کتب دستور، بخش زمان افعال و انواع آنهاست.

الف: ماضی

۱ - الف: در دوره راهنمایی، ۵ نوع است (ساده، نقلی، بعید، استمراری، التزامی)

۲ - الف: در اول دبیرستان، ۶ نوع است (مطلق، نقلی، بعید، استمراری، التزامی، مستمر، (در جریان))

۳ - الف: در دوم فرهنگ، ۸ نوع است (مطلق، نقلی، نقلی مستمر، بعید، ابعاد (دورتر)، استمراری، التزامی، ملموس)

۴ - الف: در سوم فرهنگ، ۹ نوع است (مطلق ساده، استمراری، نقلی، نقلی مستمر، بعید (دور)، ابعاد (دورتر)، التزامی، ملموس، ملموس نقلی)

۵ - الف: در چهارم فرهنگ، ۷ نوع است (مطلق، استمراری، بعید، کامل (نقلی)، استمراری کامل، بعید کامل، التزامی)

ب: مضارع

۱ - ب: در دوره راهنمایی، ۲ نوع است (اخباری، التزامی)

۲ - ب: در اول دبیرستان، ۳ نوع است (اخباری، التزامی، مستمر (در جریان))

۳ - ب: در دوم فرهنگ، ۴ نوع است (مطلق، اخباری، التزامی، ملموس)

۴ - ب: در سوم فرهنگ، ۴ نوع است (امری، اخباری، التزامی، ملموس)

۵ - ب: در چهارم فرهنگ، ۲ نوع است (اخباری، التزامی)

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش

باز جوید روزگار وصل خویش

(مولوی)

بخش دوم: فعل

۱ - تعریف فعل

همان عیوب مندرج در تعریف جمله، «با گنگ و مبهم هستند یا ناقص و یا در تضاد با تعریف کتاب دیگر» در اینجا نیز صادق است.

۱ - ۱: در کتاب اول راهنمایی (ص ۱۴۴ - ۱۴۵)، بجای دادن تعریف:

الف: در صفحه ۱۴۴، با نشان تصویر، مفهومیهای فعل رفت، نشان داده شده است.

ب: در صفحه ۱۴۵، آن مفاهیم را شماره به شماره توضیح داده اند.

ج: و در بخش بیاموزیم، بجای تعریف فعل، به تعریف صرف پرداخته شده است.

۲ - ۱: در اول دبیرستان (ص ۳۲)، فقط به بخش زمان در فعل اشاره شده است: «فعل کلمه‌ای است که بر انجام دادن کاری و روی دادن امری یا داشتن حالت و صفتی در یکی از زمانها (ماضی = گذشته)، (مضارع = حال) و (مستقبل = آینده) دلالت کند.»

۳ - ۱: و بالاخره در دوم فرهنگ (ص ۵)، بعلت آمیختگی تعریف با توضیح، خاصیت تعریف را دارا نمی باشد.

۲ - اجزاء فعل

در اول راهنمایی که مبحث فعل بیش از نصف کتاب (۴۳ صفحه از مجموع ۷۲ صفحه) را بخود اختصاص داده است از اجزاء

مشکله آن سخنی در میان نیست؛ بلکه در بیاموزیم هر درس (مثلاً) چنین آمده است:

«مضارع اخباری را با می می آوریم و چنین صرف می کنیم.»

توجه به نکات زیر لازم است (هر چند همین تقسیم‌بندیها، به حد کافی گویاست):

۱ - تعداد در هیچ کتابی با کتاب دیگر مطابقت ندارد.

۲ - نامها با یکدیگر اختلاف دارند

۳ - در انواع مضارع، مندرج در دوم فرهنگ «مضارع مطلق» وجود دارد که منظورشان مضارعی است که بو می از آغازش حذف شده باشد. ولی در کتاب سوم فرهنگ آنرا حذف نموده‌اند، با این توضیح «مضارع اخباری و التزامی هر دو بصورت ساده، یعنی بدون می و بی آیند؛ مانند «گویند» به جای «می‌گویند» و «بگویند» (ص ۶)

۴ - در کتاب سوم فرهنگ پس از حذف «مضارع مطلق» امر را جانشین آن نموده‌اند.

۴ - وجه فعل

در سوم راهنمایی (ص ۱۹۳)، تعداد وجه فعل چنین است: ۱ - اخباری ۲ - التزامی ۳ - امری و در اول دبیرستان (صص ۱۴۵ - ۱۵۱): ۱ - اخباری ۲ - التزامی ۳ - امری ۴ - مصدری ۵ - شرطی ۶ - وصفی و در چهارم فرهنگ (صص ۶ - ۷): ۱ - اخباری. ۲ - التزامی. ۳ - امری

۵ - ساختمان فعل (ساده و ...)

این مبحث در کتب درسی چنین آمده است:

۱ - ۵: در دوم فرهنگ (ص ۹): «فعل با توجه به ساختمان آن بر ۶ گونه است: ۱ - ساده. ۲ - پیشوندی. ۳ - مرکب. ۴ - پیشوندی مرکب»

۲ - ۵: در سوم فرهنگ (ص ۸): «فعل از حیث ساختمان ۴ گونه است: ۱ - ساده ۲ - پیشوندی ۳ - مرکب ۴ - عبارت فعلی»

۳ - ۵: در چهارم فرهنگ (ص ۱۱۶): «فعلهای فارسی معاصر به سه گونه، ساده، پیشوندی و گروهی تقسیم می‌گردند.»

عیوب مذکور در پایین بخشی از معایب این درس می‌باشد:

۱ - تعداد با یکدیگر تطبیق ندارد

۲ - نامها یکسان نیست

۳ - تعاریف با یکدیگر مشابهت ندارند

۴ - گروه پیشوندی در فرهنگ و ادب، با مثال گروهی دیگر در رشته غیر فرهنگ مطابقت دارد، یعنی درسی که در این رشته با نامی آمده، در رشته دیگر با نامی دیگر:

«پیشوندهای فعلی فارسی معاصر عبارتند از: ۱ - «بر»... «برداشتن». (چهارم فرهنگ، ص ۱۱۶) «بر (+ فعل یا مصدر = فعل مرکب یا مصدر مرکب) مانند برداشتن (سوم غیر فرهنگ ص ۶۰)

۶ - جهت فعل

می‌دانیم که فعلها به سه گروه تقسیم می‌شوند: ۱ - گروهی که مفعول رای می‌گیرند (لازم = ناگذر) گروهی که مفعول رای می‌گیرند (متعدی = گذرا) و گروهی که گاهی با مفعول و زمانی بدون آن استعمال

می‌شوند (هم لازم و هم متعدی = هم ناگذر و هم گذرا)

در رشته فرهنگ و ادب، تا سال ۱۳۵۹، اصطلاحات «ناگذر» و «گذرا» مستعمل بود؛ ولی بر اثر اصلاحات انجام شده بر روی کتب، این اصطلاحات به کناری رفته و دوباره «لازم» و «متعدی» جانشین شد. ولی جالب اینکه، با وجود گذشت ۸ سال، این اصطلاحات همچنان در مدخل درس و متن صورت گرفته و در تمرین درس مربوطه در سال چهارم فرهنگ (ص ۹) می‌بینیم:

«... ۳ - صورت گذرای فعلهای ناگذر زیر را بنویسید...

۴ - از فعلهای گذرای زیر، گذرای سببی بسازید...

۵ - با هر یک از فعلهای زیر، یک جمله بصورت ناگذر و یک جمله بصورت گذرا بسازید.» و جالب اینکه در تمام تمرین مربوطه، حتی یکبار، با «لازم» و «متعدی» برخورد نمی‌کنیم.

این نکات، بخشی بود از معایب و تناقضات کتب دستور دوره‌های راهنمایی و دبیرستانی؛ که منحصر بود به بررسی «جمله» و «فعل» ...

تسلیت به استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب

اعضای هیأت تحریریه رشد آموزش ادب فارسی در گذشت آن مرحوم را که خود از اساتید زبان و ادبیات فارسی بودند به حضور استاد ارجمند و خانواده محترم نشان تسلیت می‌گویند.

استاد بزرگوار جناب آقای دکتر عبدالحسین زرین کوب در مرگ برادر ارجمندشان شادروان دکتر حمید زرین کوب، سوگوار شدند.